فراکسیون انقلاب اسلامی در تکاپوی هماهنگی برای انتخاب هیأت رئیسه مجلس یازدهم

سکوت قالیباف، تحرک ائتلاف رقیب

گروه سیاسی/ «فراکسیون انقلاب اسلامی»؛ این اولین فراکسیون سیاسی است که حضورش در مجلس یازدهم قطعی شده. فراکسیونی که علیرضا زاکانی گفته شامل ۲۰۷ نماینده منتخب جبهه ائتلاف اصولگرایان خواهد بود اما تا اینجا هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه طیف حامیان قالیباف و رقبای جبهه پایداری و مدیران احمدی‌نژاد هم به این فراکسیون بپیوندند، وجود ندارد. حتی فراتر از این نشانه‌های زیادی می‌توان یافت مبنی بر اینکه راه دو طرف این ماجرا به شکل جدی از هم جدا شده و دو هفته دیگر صحن بهارستان صحنه رقابت آنها خواهد بود. چیزی که با رؤیای تشکیل فراکسیون ۲۰۷ نفره مد نظر زاکانی به نظر می‌رسد فاصله دارد.

اساساً این روزها هر چقدر اردوگاه ائتلاف نمایندگان نزدیک به جبهه پایداری، مؤتلفه و مدیران احمدی‌نژاد پر خبر بوده، از اردوگاه قالیبافی‌ها چیزی بیشتر از سکوت به فضای رسانه‌ای مخابره نشده است. دو طرف قبلاً هم در جریان بستن لیست انتخاباتی دوم اسفند بسختی و با گلایه‌های فراوان به یک توافق دقیقه نودی دست یافتند. آنجا هنوز سایه تهدید حداقلی اصلاح‌طلبان برای چند کرسی انگشت‌شمار در تهران وجود داشت؛ یعنی در حدی که اصولگرایان برنده ۳۰ بر هیچ رقابت نشوند. حالا اما خبری از آن تهدید هم نیست. اصلاح‌طلبان و مستقلان مجلس تا اینجا جمعاً چیزی حدود ۴۰ یا به صورت خوشبینانه ۵۰ نفر می‌شوند که مشخصاً توانی برای بازی‌سازی مستقل ندارند. هر چند دیروز مسعود پزشکیان، نایب رئیس فعلی مجلس و منتخب مردم تبریز برای مجلس یازدهم در گفت‌وگویی با «خانه ملت»، از احتمال تشکیل فراکسیون اصلاح‌طلبان برای بعد از ششم خرداد سخن گفت اما آن را قطعی ندانست و تنها اشاره کرد که «ممکن است» چنین اتفاقی بیفتد. روزهای پس از انتخابات دوم اسفند بسیاری از ناظران چشم بسته و بدون کمترین تردیدی، قالیباف را رئیس مجلس یازدهم می‌دانستند. شانس او امروز هم برای رسیدن به جایگاه کم نیست اما واقعیت دیگر این است که هر چه جلو آمدیم، آن تصور اولیه رنگ باخت. خصوصاً بعد از خبر ائتلاف پایداری، مؤتلفه و مدیران احمدی‌نژاد. حالا اینکه سکوت طرف اول این معادله و پر خبر بودن اردوگاه مقابل آنها در این روزها نتیجه چیست، سؤالی است که جواب مشخصی ندارد. از یک نگاه شکاکانه شاید قالیبافی‌ها نمی‌خواهند دست خود را قبل از ششم خرداد برای رقیب داخلی باز کنند یا اینکه ائتلاف مقابل او می‌خواهد کمبود نیرویش را با حضور رسانه‌ای جبران کند. اما از نگاه دیگر هم شاید ماجرا اینگونه باشد که واقعاً ائتلاف رقبای قالیباف در حال پیشرفت هستند و سکوت او ناشی از سرخوردگی از وضعیت متحول شده این روزها است.

■ پنجشنبه؛ موعد اعلام رقیب قالیباف

دیروز حمیدرضا ترقی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه در گفت‌وگو با ایسنا گفت که این حزب برای ریاست مجلس از تصمیم ائتلاف تبعیت خواهد کرد. نکته مهم دیگری که او گفت این بود؛ «قرار شده قبل از هفتم خرداد یعنی تا آخر ماه، فراکسیون نیروهای انقلابی که شورای آن تشکیل شده، جلسه دیگری برگزار کند و در آنجا تصمیم نهایی را بگیرند.» اما شورای مرکزی این فراکسیون چه کسانی هستند؟ افرادی نظیر علیرضا زاکانی، مهدی عیسی‌زاده منتخب میاندوآب، محمدصالح جوکار منتخب یزد، عباس مقتدایی منتخب اصفهان، سید مرتضی خاتمی منتخب ماهنشان، احمد نادری منتخب تهران، حسن شجاعی منتخب ابهر و ولی اسماعیلی منتخب گرمی. لیستی بدون حضور نزدیکان قالیباف. آن‌طور که دیروز علیرضا زاکانی، برجسته‌ترین چهره این جمع در یک نشست خبری در خبرگزاری فارس گفته از نظر این عده برای تعیین نامزدهای ریاست، نواب رئیس و دیگر اعضای مجلس «فقط از مجاری فراکسیون انقلاب اسلامی» تصمیم‌گیری خواهد شد. زاکانی گفته که «برخی دوستان که این روزها گرد هم جمع می‌شوند و دیگران را به تفاهم دعوت می‌کنند، اقدام آنها جنبه پیشنهادی خواهد داشت و رسمیت ندارد.» معلوم نیست که این سخن زاکانی ناظر به چه کسانی باشد اما اصلاً بعید نیست که روی سخنش نه به سمت قالیباف، بلکه به سوی نامزدهای محتمل جریان رقیب قالیباف باشد. بر اساس برنامه‌ای که اعلام شده، پنجشنبه همین هفته نامزدهای ریاست و نواب رئیس مجلس باید برنامه‌های خود را به این فراکسیون اعلام کنند.

■ آخرین تلاش چهره‌های احمدی‌نژادی

اما جدای از اینکه قالیباف به شکل مشهودی راه خود را از جریان ائتلاف سه‌جانبه و فراکسیون انقلاب اسلامی جدا کرده، در درون این مجموعه هم هنوز خبر چندانی از رسیدن به توافق بر سر نامزدهای مطرح نیست. تنها قبلاً میرسلیم گفته بود که تصمیم جمعی را تمکین خواهد کرد. اما این سوی میدان حداقل سه چهره دولت احمدی‌نژاد یعنی حمیدرضا حاجی‌بابایی، شمس‌الدین حسینی و علی نیکزاد به نظر می‌رسد که تمام قد در صحنه هستند. همین دیروز خبر رسید که احمد خورشیدی، از چهره‌های اصولگرا و پدر داماد محمود احمدی‌نژاد در حال تبلیغ برای ریاست نیکزاد بین نمایندگان منتخب و تشویق آنها برای رأی دادن به اوست. همزمان شمس الدین حسینی هم روز گذشته در گفت‌وگو با خبرآنلاین تأکید کرد که همچنان خود را نامزد ریاست مجلس می‌داند و البته گفت که حاجی‌بابایی هم طرف دیگر این بازی است. اما سؤال این است که آیا همه طرف‌هایی که تمایل برای نامزدی ریاست مجلس دارند نهایتاً به سازوکاری که فراکسیون انقلاب اسلامی قرار است برای انتخاب نامزد نهایی در پیش بگیرد، تمکین می‌کنند یا خیر؟

■ در سایه چه خبر است؟

نکته مشخص این است که وضعیت و حتی آرایش یک طرف از رقابت سیاسی مجلس یازدهم تا اینجای کار خود را به نمایش عمومی گذاشته. اما مهم طرف دیگر ماجرا یعنی یاران و نزدیکان قالیباف هستند که به نظر می‌رسد همچنان دوست دارند تا روز تشکیل مجلس امورات‌شان را در سایه و به دور از چشم دیگران رتق و فتق کنند. آیا زمانی که آنها از سایه خارج شوند، هیبت‌شان آنقدر هست که نمود وبروز پر رنگ این روزهای رقبای اصولگرایشان را بی اثر کند؟ بعید نیست جواب این سؤال مثبت باشد. خصوصاً وقتی اقلیت کم تعداد اصلاح‌طلبان و معتدلین را هم وارد معادله کنیم؛ آنها شاید توان بازی‌سازی مستقل نداشته باشند اما اگر برای فرار از سیطره اصولگرایان تندروتر رأی خود برای ریاست مجلس را به نام قالیباف بنویسند، احتمالاً کار را برای او بسیار راحت‌تر از چیزی کنند که خطر ریاست آتی او بر مجلس یازدهم را تهدید کند. اما آن وقت مسأله این است که اصلاح‌طلبان و معتدلین با انتقادات و اشکالات بنیادین خود به دوره شهرداری قالیباف چه خواهند کرد؟

محمدباقر قالیباف

حمیدرضا حاجی‌بابایی

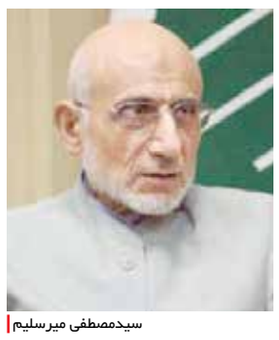
سیدمصطفی میرسلیم

علی نیک‌زاد

دیگه چه خبر؟

دست رد فرانسه به سینه امریکا

خبر اول اینکه سخنگوی وزارت خارجه فرانسه به برنامه امریکا برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران، در صورت امتناع شورای امنیت از تمدید تحریم‌های تسلیحاتی علیه تهران واکنش نشان داد. به گزارش فارس، یک خبرنگار از سخنگوی وزارت خارجه فرانسه پرسید پاسخ پاریس به تهدید امریکا که گفته در صورت امتناع شورای امنیت از تمدید تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران برای احیای همه تحریم‌های سازمان ملل علیه این کشور تلاش خواهد کرد چیست، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه در پاسخ گفت: «ما شما را به اظهارات مطرح شده در کنفرانس خبری مورخ ۲۹ آوریل ارجاع می‌دهیم. علاوه بر آن، ما تمامی استنتاج‌ها، چه از لحاظ حقوقی و چه از لحاظ سیاسی را از خروج امریکا از برجام در مورخ مه ۲۰۱۸ استنباط می‌کنیم.» وزارت خارجه فرانسه در تاریخ مورد اشاره ۲۹ آوریل درباره منقضی شدن تحریم‌های مربوط به فروش تسلیحات متعارف به ایران در اکتبر بر پایبندی پاریس به متن برجام تأکید کرده و گفته بود: فرانسه عمیقاً به پایبندی به توافق وین و قطعنامه شماره ۲۲۳۱ متعهد است. رفع ممنوعیت تسلیحاتی سازمان ملل در ماه اکتبر که در قطعنامه ۲۲۳۱ آمده، می‌تواند تبعات عمده‌ای برای امنیت و ثبات منطقه داشته باشد.

درخواست کمیسر حقوق بشر سازمان ملل برای لغو تحریم‌ها علیه ایران

خبر دیگر اینکه کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد روز جمعه گفت که برای کمک به ایران جهت مبارزه با کرونا تحریم‌ها علیه ایران باید رفع یا تعلیق شوند. به گزارش ایسنا، «میشل باچله» در مصاحبه‌ای با فرانس۲۴ با اشاره به شیوع ویروس کرونا گفته که وضعیت موجود ایجاب می‌کند که برای نجات جان انسان‌ها تحریم‌های وضع‌شده توسط امریکا علیه ایران و ونزوئلا رفع شوند. به نوشته فرانس۲۴، این مقام سازمان ملل متحد تأکید کرد معافیت‌های اعمال‌شده توسط دولت ترامپ برای خارج کردن اقلام پزشکی از شمول این تحریم‌ها «بسیار ضعیف» هستند و تنها رفع یا تعلیق تحریم‌ها است که می‌تواند اثرات واقعی داشته باشد.

۶ سال حبس برای فریبا عادلخواه

دست آخر اینکه بر اساس آنچه سعید دهقان وکیل مدافع فریبا عادلخواه در صفحه شخصی خود در توئیتر نوشته، موکلش به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی به پنج سال و بابت عنوان اتهامی تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محکوم شده است. به گزارش ایرنا، بنابر اعلام دهقان، این حکم بدوی است و در مهلت قانونی به آن اعتراض می‌کند. وی گفته که در حکم صادره از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، هرچند اسم مارشال دیگر متهم این پرونده که چندی پیش با فرانسه تبادل شد، آمده اما حکمی برای او صادر نشده است. ۱۷ دی ماه ۹۸، سعید دهقان وکیل فریبا عادلخواه به ایرنا گفته بود: اتهام اصلی موکلم جاسوسی بود و خانم عادلخواه علاوه بر تبرئه از اتهام جاسوسی، از اتهام تشویش اذهان عمومی از طریق طرح مباحثی از جمله «مخالفت با قانون حجاب اجباری و مخالفت با قوانین تبعیض‌آمیز میان زن و مرد» نیز تبرئه و منع تعقیب صادر شد. اما شعبه اول بازپرسی دادسرای امنیت شهید مقدس اوین سه اتهام دیگر برای او اضافه کرد. دیگر متهم این پرونده رولاند مارشال بود که اواخر اسفند ۹۸ با جلال روح‌الله نژاد مهندس ایرانی که بیش از یک سال قبل به اتهام نقض تحریم‌های امریکا علیه ایران در فرانسه بازداشت شده بود، مبادله شد.

خبر

مبارزه ساختارمند جایگزین مبارزه هیجانی با فساد

ربیعی: قاچاق تنها در دو بخش کفش و پوشاک ظرفیت یک میلیون شغل را از ایرانی‌ها گرفته است

سخنگوی دولت در نشست هم‌اندیشی و هم‌افزایی مدیران و رئیسان روابط عمومی‌ها در ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز به دوبخش قاچاق ورودی و خروجی کالا از کشور اشاره کرد و گفت: بیشترین قاچاق ورودی به کشور در بخش کفش و پوشاک، لوازم آرایش و لوازم خانگی و قطعات خودرو است و تنها در دو بخش کفش و پوشاک ظرفیت یک میلیون شغل را از ایرانی‌ها گرفته است.

به گزارش ایرنا، علی ربیعی دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس جمهوری ادامه داد: بیشترین ایجاد اشتغال ما اکنون در بخش تولید است ما براحتی می‌توانستیم در بخش تولید افزایش شغل داشته باشیم حتی در پنج سال می‌توانستیم سه الی چهار میلیون شغل به وجود بیاوریم این در حالی است که بنگلادش ۱۰ میلیون شغل فقط در این حوزه دارد.

وی اظهار داشت: قاچاق باعث رشد پولدارهای بی‌ارزشی بدون ارزش افزوده که هیچ نقشی در تولید ملی ندارند، می‌شوند. پول‌هایی که نه بر اساس تولید ملی و ارزش کار ایجاد شده باشد، متأسفانه در طول سال‌های گذشته این اتفاق افتاده است. ما در سال ۹۲ روزی که به دولت آمدیم ۲۵ میلیارد دلار قاچاق بر اساس برآوردهای اقتصاد پنهان و مدل شکاف عرضه و تقاضا صورت می‌گرفت. این ۲۵ میلیارد دلار قاچاق تبدیل به ثروت هنگفت می‌شود که چقدر موجب فقر، بی‌عدالتی و تبدیل به ضداشتغال شده است. مبارزه با قاچاق کالا جلوه‌هایی از مبارزه با بی‌عدالتی را در جامعه گسترش می‌دهد چرا که کار مبارزه با قاچاق مبارزه با بی‌عدالتی هم هست.

سخنگوی دولت با اشاره به هوشمند شدن مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ایجاد سامانه بین دستگاه‌های مختلف در دولت اظهار داشت: حدود ۲۵ دستگاه اطلاعات‌شان در این سامانه وارد می‌شود و ما به سمتی می‌رویم که به طور ساختارمند جلو قاچاق را بگیریم. دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس جمهوری گفت: اگر می‌خواهیم با فساد مبارزه کنیم، باید به جای فساد هیجانی، کوتاه مدت و پر سرو صدا، یک مبارزه با فساد ساختارمند و بنیادی داشته باشیم و کاری که در مبارزه با قاچاق کالا می‌کنیم حتماً از این جنس است.

ربیعی در بخش دیگری از سخنانش گفت: وقتی درباره اقدامات جامعه اطلاعاتی و ارتباطی در دوران کرونا سخن می‌گوییم، نمی‌توانیم نسبت جامعه اطلاعاتی و ارتباطی با کرونا را مورد بحث قرار ندهیم. ما نیاز به یک پویش نظری در ارتباط با وظایف جامعه اطلاعاتی وارتباطی با کرونا داریم.

دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس جمهوری با بیان اینکه در سال ۱۳۹۹ با توجه به شیوع ویروس کرونا باید در مورد نقش ارتباطات بیشتر بحث کنیم، گفت: دوران کرونا ما را به فهم جدیدتر و تأمل عمیق‌تر واداشته است. ما در بعد ارتباطات با نوعی شوک مواجه شدیم که با هیچ هراس رسانه‌ای و زیستی با قبل خودش قابل مقایسه نیست. وی ادامه داد: به نظر من بار روانی اشباع بیش از حد نوعی از اخبار و اطلاعات از آثار اقتصادی کرونا امروز ویرانگر عمل می‌کند در بخشی جاها ویرانگرتر هم عمل کرده است.

وی گفت: امروز هر کدام از ما به جامعه نگاه کنیم نوعی احساس بی‌اتکائی ممکن است اپیدمی شود. نیاز به حمایت اجتماعی و حمایت از هم را احساس می‌کنیم و این نیازها در حال رشد است. ربیعی اضافه کرد: من قبلاً درباره حفاظت از جان توأمان در برابر تهدید سلامت و تهدید معیشت هم نوشتم و هم گفتم. امروز در روز جهانی ارتباطات از ضرورت حفاظت از تعادل‌های روانی و اجتماعی صحبت کنم و معتقد هستم مفهوم امنیت انسانی باید بازتعریف شود. وی تصریح کرد: حفاظت از جان و روان در مقابل تهدید سلامت و تهدید معیشت امروز یک مسأله جدی است. ربیعی در بخش دیگری از سخنانش گفت: باید با مطالعاتی که انجام می‌دهیم، به فضای روانی کشور کمک کنیم. ما امروز درگیر اقتصاد و فقر ناشی از کرونا هستیم. درگیر بحث اجتماعی و روانی کرونا هستیم که دهک پذیر نیست و کل جامعه امروز با آن درگیر است.

دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس جمهوری افزود: فرآیند اطلاعات و ارتباطات امروز باید ما را به سمت جامعه خوشحال ببرد. اپیدمی ناامیدی و آدم‌های مبتلا به ناامنی فکری نباید در جامعه گسترش پیدا کند. امروز وظیفه ما در جامعه ارتباطاتی و اطلاعاتی است که با این وجهه از بیماری کرونا بتوانیم مقابله کنیم.

تحلیل

نقدی بر جایگزین شدن «شکل» به جای «ماهیت» در فعالیت جریان‌های سیاسی

سیاست انتزاعی بدون برنامه

مهراوه خوارزمی
خبرنگار حوزه احزاب

متن پرحاشیه و کم محتوا؛ این دو عبارت شاید مناسب‌ترین عباراتی باشند که می‌توانند فعالیت‌های روی صحنه هر دو جریان سیاسی کشور را در سال‌های اخیر توصیف کنند. واقعیتی که خود را در خبرهای منتشر شده از هر دو اردوگاه سیاسی بیش از هر زمان دیگری عیان کرده است. فعالیت سیاسی این روزها نوعی رویداد انتزاعی است که در بگو مگوهای نظری و گفتمانی، تلاش برای چیدمان نیروها در هرم قدرت نهادی، ایجاد دسته بندی‌های جدید و بحث بر سر تجدید ساختارهای تصمیم گیر معطوف به رقابت و خلاصه هر آنچه می‌تواند در حکم ظرف سیاست تلقی شود، تجلی یافته و کمتر خبری از محتوای آن به دست می‌دهد.

در آستانه شکل‌گیری مجلس یازدهم و در شرایطی که اصولگرایان به هر ترتیب و با هر درصد آرا توانسته‌اند بر اکثریت نزدیک به مطلق کرسی‌های پارلمان دست پیدا کنند و راه را بر حضور معنادار و قابل تأثیرگذاری اصلاح‌طلبان در بهارستان ببندند، آنچه در منطق سیاست از هردو جریان انتظار می‌رود به‌هیچ روی برآورده نشده است.

اگر شهروندان توقع دارند که اصولگرایان برنامه مدون و قابل ارزیابی از آنچه می‌خواهند در مجلس پیگیری کنند روی میز بگذارند و اگر از رقبای اصلاح‌طلب‌شان انتظار دارند بشنوند اصلاح‌طلبی چگونه خواهد توانست حضور خود را در نهادهای حاکمیتی بازیابی کند و برای دستیابی به خواسته‌هایی که طی بیش از دو دهه به مقصود نرسیده چه راهبردی دارد؛ آنچه به آنها عرضه می‌شود و البته نه الزاماً آنچه در جلسات درون تشکیلاتی مورد بحث قرار می‌گیرد، چیزی جز همان سیاست انتزاعی نیست.

در این میان اصولگرایان در وضعیت خطیرو پیچیده‌تری قرار گرفته‌اند. اکثریت یافتن آنها در مجلس به میزانی که می‌توان گفت فراتر از تجربه اکثریت داشتن‌شان در مجالس هفتم، هشتم و نهم است و در عین حال انشقاقی که طی سال‌ها نهادینه شده و آنها را ذیل دسته‌بندی‌هایی همچون اصولگرای سنتی و نو اصولگرا، احمدی نژادی و پایداری و... تعریف می‌کند یکی از عوامل این وضعیت است. مسأله مهم دیگر وجود این احساس است که سرمایه قدرت پارلمانی به دست آمده باید به بهترین نحو در مقابل رقبا نقد شود و زمینه مساعدی را نیز برای تضمین پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ به دست دهد.

تجمیع این همه چیزی است که خود را در نوعی رقابت کم سابقه برای ریاست مجلس، تعدد یافتن فراکسیون‌ها و ایجاد هسته‌های ائتلافی تقویت‌کننده بروز داده و حتی بعضی از نمایندگان را نیز به تعجب وا داشته است. از جمله جبار کوچکی‌نژاد نماینده منتخب مجلس یازدهم که در گفت‌وگویی با ایلنا به سابقه چهار دوره حضورش در مجلس اشاره کرده و گفته: «متأسفانه در این دوره، شاهد اتفاقات عجیبی هستیم یعنی مشتاقان ریاست خیلی زیاد شده‌اند؛ در این چند ساله من مجلس را به این شکل ندیده بودم» و افزوده:«تعداد فراکسیون‌ها از عدد گذشته و نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده که این چنین منتخبان به فراکسیون‌ها هجوم آورده‌اند.»

مشخص است که در نهایت از میان اسامی همچون قالیباف، حاجی‌بابایی، میرسلیم، نیکزاد و حسینی یکی و تنها یکی خواهد توانست روی صندلی ریاست بنشیند و اصولگرایان هم تلاش می‌کنند در رایزنی‌های درونی خود این رقابت را به سمت محدود شدن تعداد رقبا هدایت کنند تا رئیس مجلس اگر برحسب قانون جدید با رأی ۲۰ درصد مشارکت‌کنندگان در انتخابات به مجلس راه یافته د ست کم از حمایت کرسی‌های بیشتری از مجلس برخوردار باشد و با رأی قاطع تری ریاست کند. هر چند که طیفی برای ریاستش شرط گذاشته باشند که نباید سودای رئیس جمهوری در سر بپرورد و عده‌ای دیگر حتی پیش از مشخص شدن رئیس مجلس بخواهند با این تعبیر که رئیس مجلس اداره‌کننده جلسات است از اختیارات و تأثیرگذاری اش بکاهند.

آن سو در جریان اصلاحات هم نوع دیگری از همین قال و مقال‌ها در جریان است. ایستادن در بیرون گردونه قدرت چه به‌دلیل موانعی همچون رد صلاحیت شدن و چه بر حسب از دست رفتن سرمایه اجتماعی و سبد رأیی که اصلاح‌طلبان طی انتخابات‌های ۹۲، ۹۴ و۹۶ داشتند می‌توانست به بحث‌های دقیق تری پیرامون چرایی این فراز و فرود و تبیین رهیافت‌هایی برای آینده تبدیل شود اما دست کم تا این لحظه به شکل انگشت اتهامی رو به سوی دیگری نمود یافته است و بحث از فرط تکرار نخ نما شده تغییر ساختار اجماعی این جریان یعنی شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان، نحوه ریاست و رهبری آن را یکبار دیگر رو آورده است. بگومگوهای اعضای دو حزب عمده این جریان که یکی از اصالت اصلاح‌طلبی خودش سخن می‌گوید و دیگری با پیش کشیدن سبقه تاریخی خود را زمینه ساز اصلی به‌وجود آمدن جریان اصلاحات می‌داند اگر چه در نهایت با تصمیم به پرهیز از تقابل‌های لفظی پایان پذیرد مباحثی پیش برنده و حل‌کننده مسائل پیش روی امر سیاست نیست.

این چکیده از ماوقع جاری این روزهای دو جریان عمده سیاسی حکایت از آن دارد که فعالیت سیاسی بیش از حد در امور شکلی توقف کرده است و از پرداختن به موضوعات ماهوی جدی خود در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ جا مانده است.

این جاماندگی آن هم در شرایطی که هر دو جریان خود را در جایگاه ناقدان دولت و مجلس حاضر می‌بینند بدون آنکه برنامه‌های بدیلی برای آنچه مورد انتقادشان است ارائه کنند، می‌تواند هر ناظری را نسبت به ماحاصل رقابت‌ها و فعالیت‌های سیاسی مردد سازد. حال آنکه موضوعات متعددی همچون ارائه راهبردها و راهکارهای بهبود وضعیت اقتصادی و تغییر شاخص‌هایی مانند اشتغال، تولید و ارزش پول ملی، تعیین رهیافت عبور از وضعیت حاضر در سیاست خارجی و نظایر آن به چیزی فراتر از این واگویه‌ها نیازمند است.

خوشبینانه این است که بگوییم جریان‌های سیاسی کشور در سطوح کارشناسی خود به این موضوعات پرداخته و برای آن چاره اندیشی می‌کنند اما حاصل این چاره اندیشی‌ها رسانه‌ای نشده است. انداختن تقصیر بر شانه ذائقه رسانه‌ها البته در کوتاه مدت می‌تواند توجیه‌کننده باشد. اما اندکی دیگر اصولگرایان در مجلس و اصلاح‌طلبان در آغاز ماراتن انتخابات ۱۴۰۰ نخواهند توانست از برنامه‌ریزی‌هایی سخن بگویند که صرفاً رسانه‌ای نشده‌اند. جامعه ایرانی بیش از هر زمان دیگری به انتخاب بر اساس برنامه‌ها و ایده‌ها و پشت سر گذاشتن قبیله گرایی‌ها نزدیک شده است. اینکه گفته شود چه چیز را نمی‌خواهیم یا کدام سیاست و عملکرد شکست خورده است کافی نیست. نقشه راه پیروز را باید با همه جزئیات و احتمالات روی میز گذاشت.

ادامه از صفحه اول

طشتی که بر زمین می‌افتد

حوض وسط آن وتروتمیزی محل مسکونی ثروتمندان می‌شوید. این فرهنگ و معماری در حال دگرگونی است. اکنون از نمای ساختمان می‌توان حدس زد که داخل آن چیست؟ و تناسبی میان ظاهر و باطن نما وجود دارد. در بسیاری از موارد، حتی می‌توان درون خانه را نیز دید. بیرون ساختمان به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که اصل ساختمان نیز دیده شود. کم‌کم مرز میان داخل و بیرون برداشته شده است. این اتفاق با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی دچار یک تحول کیفی شده و حوزه خصوصی کوچک و کوچک‌تر شده است. دیگر نه تنها می‌توانیم بیرون ساختمان را که معرف درون آن است ببینیم، بلکه زوایای گوناگون درون ساختمان نیز دیده می‌شود. در واقع نمایش این زوایا نیز به جزئی مهم از زندگی تبدیل می‌شود. اینکه چه می‌پوشم؟ چه می‌خورم؟ چه خودرویی سوار می‌شوم؟ با چه کسانی مراوده دارم؟ کجاها می‌روم؟ چگونه اوقات فراغت خود را می‌گذرانم؟ از چه رفتاری خشنود می‌شود؟ الگوهای من چه کسانی هستند؟ و... حتی مسائل جزئی‌تر نیز به اشتراک گذاشته می‌شود و این اشتراک‌گذاری نیز جزئی از مطلوبیت بهره‌مندی از این امکانات زندگی است. تا اینجای کار، اتفاق عجیب و غریبی رخ نداده است، حتی اگر از این وضع خوشحال نباشیم. زندگی در حال تبدیل به نمایشی است که مخاطب می‌پسندد یا حسرت آن را می‌خورد. دیگر مثل گذشته نیست که فقط برای دل خود بازی کنیم. دیدن بازی زندگی از سوی دیگران نیز مطلوبیت یافته است. ولی مشکلی که این پدیده در ایران ایجاد کرده است، جالب و شنیدنی است.

اجازه دهید با یک مثل آغاز کنم. همه می‌دانند که یک نفر در حمام چه کار می‌کند و چه پوششی دارد یا بهتر است بگوییم ندارد. ولی کسی این وضع را عمومی نمی‌کند. این به معنای نبود شفافیت نیست، زیرا وضعیت فرد در حمام بر کسی پوشیده نیست و اگر روزی کسی این وضعیت را عمومی کند، دیگران از وجود آن وضعیت تعجب نخواهند کرد، چون پیش از آن نیز می‌دانستند که چنان است. تعجب دیگران از قباحت این کار خواهد بود. ولی حالا فرض کنیم که یک نفر سر چهارراه گدایی کند، بعد معلوم شود که در زعفرانیه خانه دارد. طبیعی است که مخاطب دچار تعجب می‌شود، نه به‌دلیل وجود خانه در زعفرانیه، بلکه برای ثروت چنین شخصی.

برخی از آقازاده‌ها از طریق رانت‌های گوناگون که صاحب ثروت و مکنتی شده‌اند و بدون توجه به عوارض فضای مجازی در این میدان وارد شدند و به نمایش زندگی خصوصی خود پرداختند. عکس‌های آنچنانی از خودشان، از لباس‌هایشان، از خانه و دکوراسیون داخل خانه، از سفرهایشان، از خودروهایشان و از سبک زندگی به نمایش گذاشتند. ولی به‌دلیل تربیت گلخانه‌ای آن اندازه درک عرفی نداشتند که متوجه تبعات عمومی این رفتار شوند. نه تنها خودشان متوجه نبودند، بلکه پدر و مادرشان نیز توجه نکردند که این نمایش خطرناک است و موجب بدنامی می‌شود. مدتی را با این خوشی سر کردند تا سر بزنگاه که مسأله یا فسادی برملا شد این سبک زندگی آنان نیز عمومی شد و تصاویر به سطح جامعه رسید. تصاویری که به ظاهر در فیس‌بوک یا شبکه‌های اجتماعی و به‌صورت محدود دیده می‌شد، پخش گسترده آن موجب بدنامی شده است. ضمن اینکه مردم می‌پرسند این ثروت‌ها از کجا آمده است؟ این افراد که در بهترین حالت اگر خیلی بااستعداد باشند، یک فرد معمولی می‌شوند، چگونه در سی سالگی چنین ثروتی را دارند و چنان بی‌محابا آن را به نمایش می‌گذارند؟ اینجاست که تازه متوجه می‌شوند که چه خبطی را مرتکب شده‌اند. ولی دیگر دیر شده است. همان طور که باید وجود کرونا را به‌رسمیت بشناسم و با آن زندگی کنیم.